



بررسی نظری اهمیت و دلایل گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها

دکتر سید حسین سجادی^۱

استاد حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

رحیم بنایی قدیم^۲ ©

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۳۰ مرداد ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۳ دی ۱۳۹۵)

در راستای حرکت از گزارشگری مالی بر اساس بهای تمام شده تاریخی به سمت گزارشگری بر اساس ارزش‌های منصفانه، آزمون کاهش ارزش، یک رویه احتیاط جدیدی می‌باشد. اطلاعات منتشر شده در صورتهای مالی در صورتی که گزارش کننده کاهش ارزش دارایی‌ها نباشد، برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان مفید نخواهد بود. هدف پژوهش حاضر ارائه یک دیدگاه نظری و تئوریک نسبت به دلایل و اهمیت گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها در قالب تئوریهای نمایندگی، علامت‌دهی و مشروعیت می‌باشد و همچنین شواهد بازار نسبت به پیامدهای گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها از بعد ارتباط ارزشی، گزارشگری به موقع، حق الزحمه حسابرسی، مدیریت سود، بازده‌های غیرعادی و صحت پیش‌بینی تحلیلگران، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس آنچه که از نتایج تحقیقات استنباط شده است، گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها هم می‌تواند بستری برای اعمال قضاوت بیشتر مدیریت در قالب دستکاری فعالیت‌ها و رخداد‌های واقعی باشد و هم می‌تواند از بعد پیامدهای انگیزشی استانداردهای حسابداری و مشکلات نمایندگی موجود، به دلیل انعطاف موجود در استاندارد مربوطه، ایجاد کننده انگیزه کافی در مدیریت برای مواجهه با شرایط پیچیده و پیش‌بینی نشده باشد.

واژه‌های کلیدی: کاهش ارزش، تئوری نمایندگی، تئوری مشروعیت، تئوری علامت‌دهی، مدیریت سود.

¹ sajadi@scu.ac.ir

² rahim.bonabi@yahoo.com

مقدمه

اطلاعات حسابداری مکانیزمی را فراهم می‌آورد که به واسطه آن اطلاعات درون سازمانی به سرمایه‌گذاران و بازارهای سرمایه انتقال می‌یابد. با انتقال اطلاعات به بازارهای سرمایه، شناخت از کیفیت پروژه های شرکت افزایش یافته و در نتیجه هزینه سرمایه مطالبه شده با کیفیت پروژه تناسب خواهد داشت. از سوی دیگر اطلاعات حسابداری امکان کنترل بیشتر سرمایه‌گذاران بر فعالیت های مدیریت را افزایش داده و بنابراین مدیران را از انجام سرمایه‌گذاری هایی که بر مبنای منافع سرمایه‌گذاران تعیین نگردیده است، منع می‌کند و هرچه کیفیت اطلاعات افزایش باشد به همان میزان مشکلات نمایندگی هم کاهش می‌یابد [1]. کاهش ارزش به عنوان یک فرایند، یکی از عناصر ضروری استراتژی هیات استاندارد های حسابداری مالی در راستای حرکت از گزارشگری مالی بر اساس بهای تمام شده تاریخی به گزارشگری بر اساس ارزش های منصفانه می‌باشد. وقتی احتیاط به عنوان یک اصل اساسی کنار گذاشته می‌شود و با ارزش های منصفانه که بعد از به کارگیری یک مدل ارزشیابی به جای اتکا بر قیمت های بازار قابل مشاهده، جایگزین می‌شود، می‌بایست یک مکانیزم کنترلی برای جلوگیری از ارزشیابی های خوش بینانه بی‌دلیل، اعمال شود. در دنیای ارزش منصفانه، آزمون کاهش ارزش¹، این وظیفه مهم را انجام می‌دهد. بنابراین تحت سیستم گزارشگری که به طور فزاینده‌ای متکی بر ارزش های منصفانه است، آزمون کاهش ارزش، یک رویه احتیاط جدیدی می‌باشد. در اصل یک دارایی زمانی مورد آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرد که شرکت قادر نباشد، ارزش دفتری دارایی را چه از طریق استفاده و چه از طریق فروش باز یافت کند. وضعیت فعلی فراهم شده توسط استاندارد های گزارشگری مالی بین المللی در رابطه با کاهش ارزش، به گونه ای است که اگر شرایط بیان کننده این باشد که دارایی ها ممکن است، کاهش ارزش یافته باشند، یک بررسی مبنی بر توانایی ایجاد نقدینگی دارایی ها از طریق استفاده یا فروش آنها می‌بایست صورت گیرد. این فرایند سبب ایجاد مبلغی خواهد شد که می‌بایست با ارزش دفتری دارایی ها مقایسه گردد و اگر ارزش دفتری بیشتر باشد، تفاوت بین این دو مبلغ، می‌بایست تحت عنوان تعدیلات کاهش ارزش در صورت سود و زیان گزارش شود [9]. در این پژوهش ابتدا تحقیقات قبلی انجام شده نسبت به گزارشگری کاهش ارزش دارایی ها، سپس تئوری های توجیه کننده گزارشگری کاهش ارزش دارایی ها، پیامدهای گزارشگری کاهش ارزش دارایی ها و چالش های گزارشگری کاهش ارزش دارایی ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

1) مبانی نظری

1-1 تحقیقات پیشین درباره کاهش ارزش دارایی ها

بر اساس استانداردهای حسابداری اموال، ماشین آلات و تجهیزات باید تنها زمانی مورد آزمون کاهش ارزش قرار گیرند که برخی شاخص های کاهش ارزش رخ داده باشند. این شاخص های کاهش ارزش ممکن است مربوط به خود دارایی و یا محیط اقتصادی باشد که دارایی ها در آن محیط فعالیت می‌کنند.

¹ Impairment Testing

برای تمامی دارایی‌های نامشهود با عمر مفید نامعین و سرقفلی، یک آزمون کاهش ارزش سالانه‌ای باید اجرا شود. این آزمون می‌تواند در هر زمانی از سال صورت گیرد به شرطی که در زمانهای مشابه در هر سال باشد. همچنین مبلغ دفتری یک دارایی نامشهود که هنوز قابل استفاده نیست، نیز باید سالانه مورد آزمون کاهش ارزش قرار گیرد [9]. تحقیقات نشان می‌دهد دو عامل اصلی کاهش ارزش دارایی‌ها، انگیزه‌های گزارشگری و وخامت شرایط اقتصادی می‌باشد [15]. مدیران زمانی انگیزه کافی برای مدیریت سود از طریق شناسایی کاهش ارزش دارایی‌ها دارند که مزایایی برای آنها داشته باشند. انگیزه مدیران نقش مهمی در توضیح کاهش ارزش دارایی‌هایی با اقلام تعهدی اختیاری بالا، دارد [10]. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص تصمیم به کاهش ارزش دارایی‌ها، تغییر در مدیریت ارشد است [19] و کاهش ارزش دارایی‌ها ضعیف‌ترین ارتباط را با شاخص‌های اقتصادی داشته ولی دارای رابطه قوی با رفتار گزارشگری آب از سر گذشتن² دارند [19]. به عبارت دیگر مطالعات دیگر بیانگر این است که مدیران، زیان کاهش ارزش را برای انعکاس کاهش ارزش دارایی‌ها، به دلیل عملکرد ضعیف شرکت، تغییرات در محیط اقتصادی و یا تغییرات در استراتژی‌های مدیریت، شناسایی می‌کنند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد شرکت‌های با عملکرد ضعیف نسبت به شرکت‌های مشابه در همان صنعت در طول سه سال قبل از شناسایی زیان کاهش ارزش، دارای معیارهای عملکرد بازار، بازده دارایی‌ها و بازده سرمایه‌ی، پایین تری بودند. این شرکت‌ها شاهد کاهش سود تقسیمی و کاهش رتبه بندی در بازار سهام در مقایسه با شرکت‌های مشابه بودند که بیانگر این مطلب است که زیان کاهش ارزش در طول دوره وخامت اقتصادی و سودآوری کمتر اتفاق می‌افتد [15]. به طور کلی بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی، بسیاری از تحقیقات به این نتیجه رسیدند که اختیار مدیریت، عامل اساسی در تصمیم اولیه کاهش ارزش دارایی‌ها می‌باشد [15]. تحقیقات نشان می‌دهد که زیان کاهش ارزش در مواقعی که تغییری در مدیریت صورت گرفته، بیشتر است زیرا مدیران جدید تمایل به گزارشگری "آب از سر گذشتن" را دارند [24] با این حال زیان کاهش ارزش اولیه برای شرکت‌هایی که اهرم¹ تر هستند، به دلیل اجتناب از نقض مفاد قراردادهای بدهی، کمتر است [20]. شرکت‌هایی که دارای سود حاصل از فعالیت‌های مستمر با ضریب بازار سهام بالایی هستند و یا تغییرات جدیدی در مدیریت آنها صورت گرفته است، زودتر زیان کاهش ارزش را شناسایی می‌کنند و در مقابل قراردادهای بدهی شرکت‌ها، انگیزه‌های پاداش و الزامات رتبه بندی مجدد اوراق بهادار، تصمیم مدیریت را برای شناخت کاهش ارزش، به تاخیر می‌اندازند [5]

¹ big bath

² highly levered

۲-۱ تئوری های توجیه کننده گزارشگری کاهش ارزش دارایی ها

۲-۱-۱ تئوری نمایندگی^۱

شکل گیری رابطه نمایندگی، همراه با منافع متضادی است که در نتیجه جدایی مالکیت از مدیریت، هدف های متفاوت و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران رخ می دهد. مطابق با ادبیات تئوری نمایندگی، به منظور کاهش تعارضات نمایندگی، باید روش های کنترلی مناسبی در سازمان ایجاد گردد [3]. مدیران شرکتها به دلیل وجود تضاد نمایندگی بین آنها و سهامداران، از زیان کاهش ارزش دارایی ها به عنوان ابزاری برای کاهش شدت تضاد نمایندگی از طریق دستکاری زیان کاهش ارزش، سود می برند. برای اینکه مدیران دارای اطلاعات بیشتری نسبت به سهامداران هستند، از اطلاعات به نفع خود استفاده می کنند، بنابراین مدیران شرکتها ممکن است برخی مواقع از زیان کاهش ارزش به عنوان تاکتیک و یا ابزاری برای دستکاری از طریق بکارگیری مفروضات مدیریت سود (هموارسازی سود^۲ و آب از سر گذشتن) برای حداکثر کردن منافع مورد انتظارشان و یا پاداش خود، استفاده کنند [17]. براین اساس، تئوری نمایندگی می تواند چگونگی بکارگیری کاهش ارزش از طریق مدیریت سود و نحوه بکارگیری آن به عنوان مکانیزمی برای حل مشکل عدم تقارن اطلاعاتی مابین شرکت و سهامداران بویژه سرمایه گذاران را توضیح دهد [13]. وقتی که سود خالص دوره جاری بیشتر از مبالغ پیش بینی شده آن باشد، ولی احتمالاً در سال آتی کمتر از آن خواهد بود، انگیزه های برای هموارسازی سود وجود خواهد داشت [6]. در نتیجه مدیریت ممکن است زمان و تاریخ شناخت معاملات را برای تعدیل سود، دستکاری کند تا از آن به عنوان یک استراتژی برای حذف نوسان سود استفاده کند و ریسک را کاهش دهد. به عبارت دیگر، شرکت های سودآور، احتمال بیشتری دارند که از کاهش ارزش دارایی ها استفاده کنند [12] و اگر مبالغ کاهش ارزش بیشتر باشد منجر به کاهش مالیات خواهد شد، زیرا کاهش ارزش سبب افزایش هزینه ها و کاهش سود خواهد شد. بنابراین برای کاهش مالیات، زیان کاهش ارزش می تواند به عنوان تکنیکی برای دستکاری استفاده شود. مدیران جدید از زیان کاهش ارزش دارایی ها برای بهبود وضعیت شرکت، استفاده می کنند و عملکرد گذشته شرکت (کاهش ارزش و عملکرد بد) را به مدیران قبلی نسبت می دهند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که کاهش ارزش اختیاری دارایی ها با تغییرات مدیریت ارشد شرکتها و معمولاً با کاهش سود در سال تغییر مدیریت برای تضمین بهبود وضعیت آتی، توأم می باشد [18].

۲-۱-۲ تئوری علامت دهی^۳

افشای کاهش ارزش دارایی ها می تواند بطور بالقوه ای بیان کننده سه اطلاعات مهم باشد: (۱) اطلاعات درباره کاهش ارزش اقتصادی دارایی ها. بر این اساس انتظار می رود که کاهش ارزش های غیر منتظره (کوچک و بزرگ)، منجر به کاهش (افزایش) در بازده تعدیل شده بازار شود، (۲) اطلاعات درباره

¹ agency theory

² smooth earning

³ signaling theory

تغییر در استراتژی‌های مدیریت. کاهش ارزش، بازده اوراق بهادار را تحت تاثیر قرار می‌دهد زیرا نشانه‌ای از بهبودهای مورد انتظار در عملکرد آتی است یعنی کاهش ارزش بیشتر، اثرات قیمتی مثبت بیشتری را به نبال خواهد داشت و ۳) کاهش ارزش‌ها ممکن است بیان‌کننده اطلاعاتی درباره تمایل و توانایی شرکت برای بکارگیری مدیریت سود باشد [10]. یکی از تفاسیر موجود از کاهش ارزش این است که آن ممکن است به عنوان علامتی برای سهامداران برای آگاه‌سازی آنها نسبت به این مطلب باشد که تغییرات و اصلاحاتی در آینده نزدیک رخ خواهند داد و همچنین زیان کاهش ارزش می‌تواند در زمان تغییر مدیریت و مدیریت جدید به عنوان شاخص علامت عملکرد بد مدیریت قبلی تلقی شود [21]. بنابراین مطالب پیش‌گفته، زیان کاهش ارزش می‌تواند علامتی از کارایی شرکت تلقی شود زیرا دو معنی ممکن از این سیگنال وجود دارد: ۱) مدیران ممکن است زیان کاهش ارزش دارایی را یا برای پاسخ به تغییرات نامطلوب در ارزش اقتصادی شرکت (سیگنال منفی) و یا ۲) برای ارائه آگاهی به سرمایه‌گذاران که با مسائل گذشته شرکت درگیر بوده و آن را پیگیری می‌کنند، بکارگیرند. بطوری که بهبود در عملکرد آینده می‌تواند مورد انتظار باشد (سیگنال مثبت) [23]. مطالعات قبلی برخلاف این مطلب به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش ارزش دارایی‌ها، بطور کلی دارای محتوای اطلاعاتی منفی در زمان اعلام می‌باشد [16]. برخی مطالعات قبلی بیانگر این است که کاهش ارزش ممکن است انتقال‌دهنده علامت‌های متفاوتی باشد. مدیریت ممکن است زمانی دارایی‌ها را کاهش ارزش دهد که سود شرکت پایین بوده و از این طریق علامت دهد که مشکلات گذشته در حال رفع شدن است [10]. حتی این احتمال وجود دارد که مدیران بطور فرصت‌طلبانه اقدام به کاهش ارزش دارایی‌ها کنند و علامت‌های اشتباهی را برای دستیابی به اهداف خاص خود، ارائه کنند. برای مثال شرکت‌های با سوددهی پایین، ممکن است اطلاعات بیشتری را (اخبار خوب یا بد) برای تعدیل عملکرد بد و برای جلوگیری از هزینه‌های دعاوی حقوقی بالقوه و هزینه‌های اعتباری (شهرت)، برای تضمین مجدد نسبت به بازار برای رشد آتی، برای اجتناب از کاهش قیمت سهام و از دست دادن اعتبار در بازار سهام در نتیجه انتشار اخبار بد، انتشار دهند [21].

۱-۲-۳ تئوری مشروعیت^۱

تئوری مشروعیت بیانگر این تفکر است که یک قرارداد اجتماعی^۲ بین شرکت و جامعه وجود دارد. با تامین این قراردادها، شرکت مشروعیت خواهد یافت و قرارداد زمانی تامین می‌شود که شرکت اطلاعات حسابداری خود را به روشی معین افشا کند [13]. کاهش ارزش در بردارنده یکی از اطلاعات مهمی است که باید از طریق صورتهای مالی افشا شود. به عبارتی وجود زیان کاهش ارزش دارایی‌ها در صورت‌های مالی می‌تواند چنین تفسیر شود که شرکت مشروعیت خود را بوسیله افشای اطلاعات، علامت‌دهی می‌کند [22]. شرکت‌ها برای کسب مشروعیت، رویه‌های پذیرفته شده‌ای را بکار می‌گیرند. بنابراین اجرای روشهای پذیرفته شده مانند کاهش ارزش دارایی‌ها، ظرفیت و توانایی‌های باقیمانده شرکت را افزایش و

¹ legitimacy theory

² social contract

ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهد. افشای کاهش ارزش موجب تقویت روابط بین مدیران و سهامداران و همچنین محیط می‌شود. براساس رشد فزاینده در آگاهی و نگرانی جوامع، شرکت‌ها می‌بایست معیارهایی را برای تضمین اینکه عملکرد و فعالیت آنها برای جامعه، قابل قبول است، بکارگیرند و نیازهای آنها را برآورده نمایند. بنابراین یکی از رویه‌های استفاده شده، افشای زبان کاهش ارزش برای بهبود روابط با جامعه می‌باشد. چنین اقدامی سبب افزایش مشروعیت شرکت می‌شود زیرا نشانگر تمایلات شرکت‌ها برای توسعه عملیات و بهبود محصولات و خدمات و اجرای آنها با قابلیت پذیرش بیشتر در جامعه است [13].

پیامدهای گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها

۱-ارتباط ارزشی^۱: به لحاظ الزام بکارگیری آزمون کاهش ارزش داراییهای نامشهود و سرقفلی با عمر نامشخص و داراییهایی که هنوز آماده بهره برداری نشده‌اند، باید ارتباط بین ارزش‌های دفتری و بازار در راستای ارتباط ارزشی، افزایش یابد. هرچند برخی تحقیقات اخیر خلاف این را نشان می‌دهند برای مثال کاهش ارزش سرقفلی دارای ارتباط ارزشی کمتری نسبت به فرایند استهلاک سیستماتیک و هزینه استهلاک می‌باشد که بیانگر این است که هنوز سرمایه گذاران و استفاده کنندگان، این کاهش ارزش را به عنوان اطلاعات موثر بر تصمیم‌گیری قلمداد می‌کنند [4],[16].

۲-گزارشگری به موقع^۲: کاهش ارزش سرقفلی و دیگر دارایی‌ها ارائه‌کننده اطلاعات به موقع‌تری نسبت به استهلاک سیستماتیک می‌باشد که اشاره به کاهش فاصله بین کاهش واقعی در ارزش اقتصادی دارایی و شناخت آن در صورتهای مالی است. برای مثال تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه بین زبان کاهش ارزش و قیمت سهام، منفی و رابطه بین ارزش باقیمانده سرقفلی با قیمت سهام، مثبت می‌باشد که بیانگر ارائه صادقانه و به موقع اطلاعات می‌باشد [16].

۳-حق الزحمه حسابرسی^۳: حسابرسی شرکتهایی که دارای دارایی نامشهود هستند، به دلیل پیچیدگی حسابداری بیشتر نیازمند تلاش بیشتر حسابرسان و بکارگیری حسابرسان متخصص برای بررسی کاهش ارزش دارایی‌ها هستند، که سبب افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شوند. از طرفی هرچه قدر اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌ها بیشتر باشد، ریسک ذاتی شرکتها افزایش یافته که خود باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود [15].

۴-مدیریت سود^۴: با توجه به تعیین مبلغ قابل بازیافت برای محاسبه زبان کاهش ارزش، مدیران برای دستیابی به اهداف خود، توانایی دستکاری اقلامی مانند ارزش خالص فروش (از طریق هزینه‌های فروش) و ارزش اقتصادی (از طریق نرخ تنزیل) را دارند. بنابراین عامل ذهنی و قضاوت مدیران می‌تواند عاملی برای مدیریت سود شرکت‌ها باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری به عنوان

¹ Value relevance

² Timely reporting

³ audit fees

⁴ earning management

شاخص مدیریت سود، بعد از پذیرش استانداردها بین المللی (در زمینه کاهش ارزش)، نسبت به قبل از پذیرش آن افزایش یافته است [14].

۵- بازده آتی سهام: براساس بازار کارای سرمایه، انتظار می‌رود که بازار نسبت به محتوای اطلاعاتی کاهش ارزش دارایی‌ها، واکنش نشان دهد. زیرا کاهش ارزش دارایی‌ها، جریان های نقد آتی را فی نفسه تحت تاثیر قرار نمی‌دهند. ولی ممکن است ارزیابی مشارکت‌کنندگان در بازار نسبت به جریان‌های نقد-آتی مورد انتظار شرکت را تحت تاثیر قرار دهند [15]. شرکت‌های با اقلام تعهدی- اقلام خاص کمتر، بازده سهام آتی بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر با اقلام تعهدی کمتر، دارند [7]. بنابراین در صورتیکه سرمایه‌گذاران متمرکز بر سود باشند، کاهش ارزش دارایی‌ها می‌تواند سبب ایجاد بازده غیرعادی مثبت شود.

۶- پیش بینی تحلیلگران: مدیریت شرکت‌ها دارای انگیزه کافی برای برجسته نشان دادن ماهیت موقت کاهش ارزش‌ها دارند و معمولاً آنها مدعی می‌شوند که این اقلام، غیرتکراری هستند [7]. اگر تحلیلگران بر این باور باشند که ثبت زیان‌های کاهش ارزش توسط شرکت‌های با عملکرد سودآوری ضعیف، ادامه خواهد داشت پیش بینی های آتی سود، به احتمال زیاد برای شرکت‌های گزارش‌کننده کاهش ارزش دارایی‌ها، بسیار بدبینانه خواهد بود [15]. از طرفی این احتمال وجود دارد که مدیران ماهیت موقت کاهش ارزش را برجسته نشان دهند و بهبودهای مورد انتظار در عملکرد آتی را علامت دهی کنند و سبب انتظارات بیش از حد خوش بینانه تحلیلگران شوند. بنابراین اگر کاهش ارزش دارایی‌ها، آگاهی بخش باشند و تحلیلگران این اطلاعات را بدون جانبداری در پیش بینی‌ها دخالت دهند، این امکان وجود دارد که صحت پیش بینی سودهای آتی برای شرکت‌های با کاهش ارزش دارایی‌ها، بیشتر باشد [17].

چالش‌های گزارشگری کاهش ارزش دارایی‌ها

براساس استاندارد حسابداری کاهش ارزش دارایی‌ها، تعیین ارزش فعلی جریانهای نقدآتی و خالص ارزش فروش برای آزمون کاهش ارزش، نیازمند استفاده از مفروضات و برآوردهایی است. موضوعاتی که در این استاندارد به عنوان موارد مشکل آفرین قلمداد می‌شوند، عبارتند از: استفاده از روش جریان نقدی تنزیل شده برای برآورد خالص ارزش فروش، تعیین انواع جریانهای نقدآتی که باید در اندازه‌گیری ارزش فعلی جریانهای نقدآتی بویژه در مورد برنامه‌های تجدید ساختار، مورد استفاده قرارگیرد، تعیین نرخ تنزیل مناسب، اثر مالیات بر آزمون کاهش ارزش (چراکه در استاندارد مزبور تاکید بر بکارگیری جریانهای نقد آتی و نرخ تنزیل قبل از مالیات شده است)، تضمین اینکه ارزش دفتری و ارزش خالص بازیافتنی که با همدیگر مقایسه می‌شوند، بطور یکنواختی محاسبه شده‌اند و اعمال دارایی‌های شرکتی (دارایی‌های مشترک) در آزمون کاهش ارزش دارایی‌ها [8]. اگرچه به لحاظ تئوریک، آزمون کاهش ارزش مبتنی بر

¹ future returns

² Analyst forecast accuracy

³ Corporate assets

داراییهای فردی می‌باشد، احتمالاً این رویه اتفاق نادر و مشکلی باشد. ممکن است برآوردهای قابل اتکایی از ارزش خالص فروش برای برخی از داراییها امکان پذیر نباشد مانند سرقفلی و یا داراییهای نامشهود خاص که دارای ارزش خالص فروش جداگانه نیستند. حتی اگر ارزش خالص فروش را بتوان برای اموال، ماشین آلات و تجهیزات بصورت جداگانه محاسبه کرد، برآوردهای ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی آنها معمولاً به راحتی امکانپذیر نیست. زیرا جریانهای نقدی ضروری برای محاسبه ارزش فعلی جریانهای نقدی، معمولاً بوسیله یک دارایی ایجاد نمی‌شود، بلکه بوسیله گروهی از داراییهایی که در کنارهمدیگر بکار گرفته می‌شوند، ایجاد می‌شود. بنابراین آزمون کاهش ارزش نمی‌تواند در سطح یک دارایی انجام شود و می‌بایست در سطح اصطلاحاً واحد مولد وجه نقد صورت گیرد. واحد مولد وجه نقد^۱ دربرگیرنده یک دارایی، کوچکترین مجموعه داراییهایی می‌باشد که دربرگیرنده دارایی مورد نظر است و جریانهای نقدی ورودی حاصل از آن تا حد زیادی مستقل از جریانهای نقدی ورودی ناشی از سایر داراییها یا مجموعه‌ای از داراییهاست. تشخیص واحد مولد وجه نقد دربرگیرنده یک دارایی، مستلزم اعمال قضاوت است [9]. تحت استاندارد مزبور، سرقفلی شناسایی شده در فرایند تحصیل باید بر مبنای چگونگی تحقق سرقفلی در بین واحد های مولد وجه نقد، تخصیص یابد. چنین تخصیصی، اختیاری و تایید ناپذیر است. بنابراین در صورتی که شرکت تحصیل کننده، واحدهای مولد وجه نقد بیشتری داشته باشد، انعطاف پذیری آن در تخصیص سرقفلی و قدرت اعمال نظر مدیریت، در شناسایی کاهش ارزش- های آینده بیشتر خواهد بود. از آنجا که ارزش منصفانه سرقفلی به صورت مستقیم در دسترس نیست، شرکتهایی که واجد سهم بالاتری از خالص داراییهایی هستند که ارزشهای تایید ناپذیر دارند (مانند ماشین آلات و تجهیزات تخصصی) انعطاف‌پذیری بیشتری در تخمین ارزش منصفانه خالص داراییها و بالتبع سرقفلی داشته و قدرت اعمال نظر بیشتری در تعیین کاهش ارزشها خواهند داشت [2].

نتیجه گیری

تئوریهای متداولی در توجیه و تفسیر کاهش ارزش در ادبیات حسابداری بکار گرفته شده است که مهمترین آنها عبارتند از: تئوری نمایندگی، تئوری علامت دهی و تئوری مشروعیت. از پیامدهای گزارشگری کاهش ارزش داراییها می‌توان به بهتر شدن ارتباط ارزشی، به موقع تر شدن گزارشگری، افزایش حق الزحمه حسابرسی، افزایش بازده غیر عادی سهام، افزایش مدیریت سود و بهبود پیش بینی تحلیلگران اشاره کرد. نتایج تحقیقات مختلف، برخی عوامل بالقوه فرصت طلبی تحت قوانین استاندارد کاهش ارزش را آشکار کرده است، این امر حاکی از آن است که همچنان راه برای سوء استفاده مدیریت باز بوده و استانداردها از کیفیت لازم برخوردار نیستند. مدیران برای دستیابی به اهداف خود، توانایی دستکاری اقلامی مانند ارزش خالص فروش (از طریق هزینه های فروش) و ارزش اقتصادی (از طریق نرخ تنزیل) را دارند. بنابراین عامل ذهنی و قضاوت مدیران می‌تواند عاملی برای مدیریت سود شرکت ها باشد. ولی با این حال وقتی پیامدهای انگیزشی استانداردهای حسابداری در قالب مشکل نمایندگی

¹ cash-generating unit

موجود بین سهامداران و مدیریت، مدنظر باشد، وجود اختیار و انعطاف‌پذیری می‌تواند نسبت به یکنواختی استانداردها ارجح باشد. زیرا استانداردهای یکنواخت و سخت‌گیرانه، انگیزه‌های کافی و قدرتمندی را فراهم نمی‌کنند و مشکلاتی را در زمینه استفاده از استانداردهای یکنواخت در شرایط پیچیده (یعنی شرایطی که تفاوت‌های زیادی با رویدادهای مالی معمول در سیستم‌های حسابداری دارد) به بار می‌آورند. استاندارد کاهش ارزش دارایی‌ها نیز جزو استانداردهایی است که دارای انعطاف لازم برای اثرات انگیزشی مدیریت می‌باشد.



فهرست منابع

۱. بلالی، حسنو نورشاهی، کبری، (۱۳۹۲)، "کیفیت اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه ای شرکت ها: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۲.
۲. رامشه، منیژه و عرب صالحی، مهدی، (۱۳۹۱)، "مفاهیم کاهش ارزش تحت استانداردهای حسابداری سرقفلی"، **مجله حسابرس**، شماره ۵۸.
۳. مهدوی، غلامحسین و منفرد مهارلوئی، محمد، (۱۳۹۰)، "ترکیب هیات مدیره و هزینه نمایندگی (بررسی مفروضات تئوری مباشرت در شرکت های ایرانی)"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۹۰.
4. AbuGhazaleh, Naser M., Al-Hares, Osama M., (2012), "The Value Relevance of goodwill impairments: UK Evidence", **International Journal of Economics and Finance**.
5. Beatty, A., and J. Weber, (2006), "Accounting discretion in fair value estimates: An examination of SFAS 142 goodwill impairments", **Journal of Accounting Research**, 44(2): 257-288.
6. Blom, M. C., (2009), "Earnings Management", Erasmus University.
7. Dechow, P. M. and W. Ge, (2006), "The persistence of earnings and cash flows and the role of special items: implications for the accrual anomaly", **Review of Accounting Studies**, Vol. 11, 297-303.
8. Ernst & Young, (2013), "US GAAP versus IFRS. The basics" .
9. Ernst & Young, (2011), "IAS 36 Impairment testing: practical issues".
10. Francis, J., J. Hanna., and L. Vincent, (1996), "Causes and effects of discretionary asset write-offs", **Journal of Accounting Research**, 34: 117-134.
11. Francis, J., Nanda, D. and Olsson, P., (2008), "Voluntary disclosure, earnings quality and cost of capital", **Journal of Accounting Research**, 46(1), pp. 53-99.
12. Garrod, N., U. Kosi and A. Valentincic, (2008), "Asset Write-Offs in the Absence of Agency Problems", **Journal of Business Finance & Accounting** .
13. Hallberg, A. and S. Persson, (2011), "Voluntary application of IFRS: A study of factors and explanations on the Swedish unregulated capital markets".
14. Haron, N., and Atan, R. (2010), "Goodwill Impairment - Earnings Management during the New FRS 3. Transitions: Evidence from the Main Board of Bursa Malaysia", **Recent Advances in Business Administration**.
15. Henry Jarva, (2012), "Economic consequences of SFAS 142 goodwill write-offs", Oulu Business School, University of Oulu, 90014 Oulu, Finland.
16. Hulzen, Paul Van., Alfonso, Laura., Georgakopoulos, Georgios, (2011), "Amortisation Versus Impairment of Goodwill and Accounting Quality",

- International Journal of Economic Sciences and Applied Research**, 4 (3): 93-118.
17. Jarva, H., (2009), "Do firms manage fair value estimates? An examination of SFAS 142 Goodwill impairments", **Journal of Business Finance & Accounting**, 36(9-10): 1059-1086.
 18. Loh, A. L. C. and T. H. Tan, (2002), "Asset Write-Offs", Managerial Incentives and Macroeconomic Factors", *Abacus* 38(1): 134-151.
 19. Riedl, E., (2004), "An examination of long-lived asset impairments", **The Accounting Review**, 79 (3): 823-852.
 20. Segal, B., (2003)., "Goodwill write-downs, SFAS No. 121 and the adoption of SFAS No.142", Dissertation, New York University.
 21. Vanza, S., P. A. Wells and A. Wright, (2011), "Asset Impairment and the Disclosure of Private Information".
 22. Watson, A., P. Shrives and C. Marston, (2002), 'Voluntary disclosure of accounting ratios in the UK', **The British Accounting Review**, 34(4): 289-313.
 23. Xu, W., (2007), "Value relevance of asset write offs/ write downs and effectiveness of FASB pronouncement SFAS 121, 142, 144". University of new Jersey, Unpublished thesis.
 24. Zang, Y., (2003), "Discretionary behavior with respect to the adoption of SFAS 142 and the behavior of security prices", Working Paper, University of California, Berkeley.



Theoretical survey of the importance and reasons for reporting the Assets Impairment

Seiied Hossein Sajadi (Ph.D.)¹

Professor of accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran.

Rahim Bonabi Ghadim²©

Accounting PhD student, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran.

(Received: 20 August 2016; Accepted: 12 January 2017)

In order to move to the fair value based financial reporting from historical cost based, impairment testing, is a new cautious approach. Information reported in the financial statements if the Impairment of assets not reported, will not be useful for decision making by users. The present study aims to provide a theoretical survey of the reasons and importance of reporting the Asset Impairment in terms of agency theory, signaling theory and legitimacy theory. Also the market evidences of the consequences of reporting the Assets Impairment from view of the Value relevance, Timely reporting, audit fees, earning management, future returns and Analyst forecast accuracy is examined. What is inferred from the results, reporting a decrease in the value of assets would be admitted to the exercise of management's judgment in manipulation of activities and real events, as well as from view the motivational impact of accounting standards and agency problems, due to the flexibility that exists in this standard, Can be cause sufficient incentives for management to deal with complex and unexpected situations.

Keywords: Assets Impairment, Agency Theory, Signaling Theory, Legitimacy Theory, Earning Management.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ sajadi@scu.ac.ir

² rahim.bonabi@yahoo.com (Corresponding Author)